

﴿ امریک ﴾

(عموم احبابی الهی)

« علیهم بهاء الله الابهی »

سُورَةُ الْحَقِّ مَدَنِيَّةٌ  
عَلَىٰ خَمْسِينَ آيَةً  
قَالَ الْحَقُّ عَلِيٌّ

ای یاران الهی \* عبد البهاء شب و روز زیاد شما و بد کر شما  
مشغول \* زیرا یاران الهی در نزد عبد البهاء عزیزند \* و در سحر گاهان  
تضرع بملکوت الله مینمایم و شمارا استفاضه از نفثات روح القدس  
میطلبیم \* تا شمعهای روشن شوید \* و بنور هدایت بدرخشید  
و ظلمت ضلالت را زائل نمائید \* و مطمئن باشید تا یبیدات ملکوت  
ابهی پی در پی می رسد \*

شجره حیات از بهار الهی و ریزش ابر آسمانی و حرارت شمس  
حقیقت تازه بنای نشو و نما گذاشته \* عنقریب کل و شکوفه  
نماید و برك و بار ببار آورد و بر شرق و غرب سایه اندازد \* و این  
شجره حیات کتاب میثاق است \*

ولی در این ایام در امریک بادهای شدیدتری بر سراج میثاق  
احاطه نموده تا این سراج روشن را خواموش کند \* و این  
شجره حیات را از ریشه بر اندازد \*

بعضی نفوس ضعیفه نو هوس از اهل غرض و بی خبر از  
 زلزله بغض و عداوت متزلزل شده و همت را کاشتند که عهد  
 و میثاق الهی را محو نمایند و آب صافی را کل آلود کنند تا در این کل  
 آلودی ماهی صید نمایند بر مرکز میثاق طغیان نموده اند \* بعینه  
 مثل بیانیان که بر جمال مبارک هجوم نمودند \* هر دی افزائی زدند  
 و در هر روزی بهانه کنند و خنیاً القای شبهات نمایند تا بکلی  
 میثاق بهاء الله در اسریرکا محو و نابود گردد \*

ای یاران الهی بیدار باشید بیدار باشید هشیار باشید هشیار

باشید \*

حضرت باب عهد و میثاق جمال مبارک را از جمیع اهل بیان  
 گرفت که در یوم ظهور من یظهره الله وسطوع انوار بهاء الله  
 مؤمن و موقن شوند و بخدمت پردازند و اعلاء کلمه الله نمایند \* بند  
 اهل بیان چون میرزا یحیی و بسیاری اشخاص بر ضد جمال مبارک  
 قیام نمودند \* و انواع مفتریات بر بستند و بنفوس القای شبهات  
 کردند و از کتب حضرت باب که جمیع ذکر من یظهره الله است  
 استدلال بر بطلان بهاء الله مینمودند \* هر روز رساله بر ضد  
 بهاء الله نوشته انتشار میدادند و مردم را بتشویش واضطراب  
 میانداختند و بنهایت اذیت و ظلم بر حضرت بهاء الله قیام نمودند  
 و خود را بر عهد حضرت باب ثابت میشمردند تا آنکه انوار عهد  
 حضرت باب آفاقرار روشن کرد و جمیع نفوس مؤمنین خلصین

از ظلمات تقض اهل بیان نجات یافتند \* و مانند شمع روشن  
بر افروختند و جمال مبارک در جمیع الواح و رسائل احبای صادق  
ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد حضرت باب منع  
فرمودند که نفسی نزدیک با آنان نکند زیرا نفسشان مانند سم  
ثعبان میماند فوراً هلاک میکند \*

از جمله در کلمات مکنونه میفرماید مصاحبت ابرار را  
غنیمت دان و از مراقبت اشرار دست و دل هر دو بردار \* و خطاب  
با حیا میفرماید که معلوم انجناب بوده که زود است شیطان در  
قیص انسان دران ارض وارد شود \* و اراده نماید که احبای جمال  
سب جان و اوساوس نفسیه و خطوات شیطانیه از صراط عز مستقیمه  
منحرف سازد \* و از شاطی قدس سلطان احدیه محروم نماید  
اینست از خبرهای مستوره که اصفیاء ابا آن آگاه فرمودیم که  
مبادا بمجالست آن هیاکل بنضیه از مقام محمود ممنوع شوند \*  
پس بر جمیع احباء الله لازم که از هر نفسی که رانجه بنضیا از جمال  
عزابهی ادراک نمایند از او احتراز جویند \* اگر چه بکل آیات  
ناطق شود و بکل کتب تمسک جوید الی ان قال عز اسمه \* پس  
در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبادا بدام تزویر و حیلله گرفتار  
آیند اینست نصیح قلم تقدیر \*

و در خطاب دیگر میفرماید \* پس از چنین اشخاص اعراض  
نمودن اقرب طرق مرصنات الهی بوده و خواهد بود چه که

نفسشان مثل سم سرایت کننده است \*  
 و در خطاب دیگر میفرماید \* ای کاظم چشم از عالمیان پیوش  
 و ماء حیوان عرفانرا ازید غلمان سبحان بنوش و گوش بمن خرفات  
 مظاهر شیطان مده چه که الیوم مظاهر شیطانیه بر مر اصد  
 صراط عز احدیه جالسند و ناس را بکل حیل و مکر منع مینمایند  
 و زود است که اعراض اهل بیانرا از مظهر رحمن مشاهده نمایی \*  
 و در خطاب دیگر میفرماید بسیار در حفظ نفوس خود  
 سعی نمایند چه که شیاطین بدایه های مختلفه ظاهر شوند و بهر  
 نفسی بطریق او برآیند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده \*  
 بعد او را بخود وا گذارند

و در خطاب دیگر میفرماید هر نفسی که از او غل غلام  
 استشام نمائید از او اعراض کنید اگر چه بزهد اولین و آخرین  
 ظاهر شود و یا بعبادت ثقلین قیام نماید \*

و همچنین در خطاب دیگر میفرماید ای مهدی جمیع باین  
 کلمات مطلع شده از مظاهر سجینیه و مطالع نموده و مشارق  
 فرعونیه و منابع طاغوتیه و مغارب جبتیه اعراض نمایند

و همچنین میفرماید قل ان یا احبائی ثم اصفیائی اسمعوا نداء  
 هذا الحیب المسجون فی هذا السجن الا کبر ان وجدتم من احد  
 اقل من ان یحیی رواح الاعراض فاعرضوا عنه ثم اجتنبوه  
 تا آنکه میفرماید لانهم مظاهر الشیطان \*

و در خطابی دیگر میفرماید و بمنظرا کبر ناظر باشید \* عنقریب  
رواح منتنه انفس خبیثه بر اندیاز مرور نماید \* انشاء الله در آن  
ایام محفوظ مانید \*

در انجیل متی در فصل ثامن عشر در آیه ششم حضرت مسیح  
میفرماید (ومن اعثر احد هؤلاء الصغار المؤمنین بی خیر له ان  
یعلق فی عنقه حجر الریح ویغرق فی لجة البحر \* ویل للعالم من  
العثرات فلا بد ان تأتي العثرات واکن ویل لذلك الانسان الذی  
به تأتي العثرة \* فان اعثرتک یدک او رجلك فاقطعها والقها عنک  
خیر لك ان تدخل الحیاة اعرج او اقطع من ان تلقی فی النار الابدية  
ولک یدان او رجلان \* وان اعثرتک عینک فاقطعها والقها عنک خیر  
لك ان تدخل الحیاة اعور من ان تلقی فی جهنم النار والک عینان )  
و در اصحاح حادی والعشرون در انجیل متی در آیه ۳۸ میفرماید  
( واما الکرامون فلما رأوا الابن قالوا فیما بینهم هذا هو الوارث  
هاموا نقتله وناخذ میراثه فأخذه وخرجوه خارج الکریم وقتلوه )  
و همچنین فی الاصحاح الثانی والعشیرین در آیه چهاردهم میفرماید  
( لان اکثرین یدعون وقلیلین ینتخبون )

و در آثار مبارک الواح حضرت بهاء الله البته در هزار موقع  
مذکور \* و نفرین بر ناقضین میثاق مینمایند \* بعضی از آن کلمات  
آسمانی ذکر میشود \*

باری جمیع احبای امریکا میدانند که مؤسس این فساد

یعنی نقض میثاق نفوسی هستند که جمیع احبای الهی مقاصد ایشانرا میدانند سبحان الله با وجود این فریب انرا میخورند الحمد لله شما بنهایت وضوح میدانید حضرت مسیح بنهایت محبت و مهربانی بود ولی نفوسی بودند مانند یهودانی اسخری و طی باعمال خودشان از مسیح جدا شدند پس چه ذنبی بر مسیح بود \* حال ناقضین عنوانی کردند که عبد البهاء استبداد دارد و نفوسی را اخراج میکند و مانند یابا محروم می نماید ابتدا چنین نیست هر نفسی که جدا شد باعمال و وسایس و وساوس خویش خود را محروم نمود \* اگر این اعتراض بر عبد البهاء وارد باید اعتراض بر جمال مبارک نمایند که بصراحت بحکم قاطع احبای را از معاشرت و الفت با ناقضین از اهل بیان منع فرمود \*

﴿ مناجات ﴾ ای رب میثاق ای نیر آفاق عبد البهای مظلوم در دست نفوسی بظاهر اغنام و بحقیقت کرکات درنده گرفتار گشته \* هر ظلمی مجری میدارند و بنیان میثاق را ویران مینمایند \* و ادعای بهائی میکنند \* تیشه بر ریشه شجره میثاق میزنند و خود را مظلوم می‌شمرند \* نظیر یابها که میثاق حضرت بابرا شکستند و از شش جهت تیر طعن و مفتریات بر هیکل مبارک زدند با این ظلم عظیم خود را مظلوم می‌شمرند \* حال این عبد استانت نیز گرفتار ظالمان گشته \* و در هر ساعتی حیل و مکاری مینمایند و افتراء می‌زنند \* یا بهاء الابهی حصن حصین امر تو را از این در زمان

محافظة نما و سراجهای ملکوت را از این بادهای مخالف مصون  
 بدار \* یا بهاء الابهی عبدالبهاء دی آرام نکرقت تا آنکه امر ترا  
 بلند نمود و علم ملکوت ابهی در جمیع آفاق موج زد \* حال  
 نفوسی چند بنسائس و وسوس قیام کرده اند که این علم مبین  
 در امریک سر نکون گردد \* ولی امید من بتأییدات تو است  
 مرا فرید و وحید و مظلوم مگذار چنانکه شفاها و خطا و عده  
 حتمی فرمودی که این آهوی صحرای محبت را از هجوم کلاب  
 بغض و عدوان حفظ میفرمائی و این بره مظلوم ترا از چنگ  
 و دندان ذآب کاسره نجات میبخشی \* منتظر ظهور عنایات و تحقق  
 وعد محتوم تو هستم \* توئی حافظ حقیقی و توئی رب الميثاق \*  
 پس این سراجیرا که تو افروختی از این اریاح شدیدة حفظ فرما  
 یا بهاء الابهی از جهان و جهانیان گذشتم و از بیوفایان دل شکسته  
 گشتم و آزرده شده ام و در قفس این جهان چون مرغ هر اسان  
 بال و پر میزنم \* و هر روز آرزوی پرواز بملکوت میکنم \*  
 یا بهاء الابهی مرا جام فدای بنوشان و نجات بخش \* و از این بلا یا  
 و محن و صدمات و مشقت آزاد کن \* توئی معین و نصیر و ظہیر  
 و دست گیر \*

باری بعضی از آثار و مناجات و آیات جمال مبارک که نهبی  
 از معاشرت ناقضانست درج میشود \* در مناجات فارسی  
 میفرماید این عین را حفظ نما از زبانات نفوسیکه اعراض

نموده اند و از دریای علمت ممنوعند \* الهی الهی احفظ عبدك  
 بجودك و كرمك من شر اعدائك الذين تقضوا عهدك وميثاقك  
 و در جای دیگر میفرماید ای پروردگار من و مقصود جان  
 من بید قدرت این ضعیف را از نعیق ناعقین حفظ نما \* ناعق  
 کوساله بنی اسرائیل است \*

و همچنین میفرماید مبنفوض مرا محبوب خود دانسته. اید  
 و دشمن مرا دوست خود گرفته اید \*

و همچنین میفرماید صحبت اشرا را غم بیفزاید و مصاحبت  
 ابرار زنك دل بزدايد من اراد ان یانس مع الله فلیانس مع احبائه  
 و من اراد ان یسمع كلام الله فلیسمع کلمات اصفیائه

و همچنین میفرماید با اشرا الفت مکیر و مؤانست محو که  
 مجالست اشرا نور جانرا بنار حسیان تبدیل نماید \* ا کر فیض  
 روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو \* زیرا که ابرار جام  
 باقی از کف ساقی خلد نوشیده اند \* و همچنین میفرماید رأس الذلة  
 هو الخروج عن ظل الرحمن والدخول فی ظل الشیطان

و همچنین میفرماید ای عباد نیست در این قاب مکر تجلیات  
 انوار صبح لقا و تکام نمیناید مکر برحق خالص از پروردگار \* شما  
 پس متابعت نفس نمائید \* و عهد الله را نشکنید و نقض میثاق  
 مکنید \* باستقامت تمام بدل و قلب و زبان با توجه نمائید و نباشید  
 از بیخردان \*



وهيچنين ميفرمايد انتم نسيتم عهد الله ونقضتم ميثاقه \*  
وهيچنين ميفرمايد ( ان جائكم احد بكتاب الفجار دعوه  
ورائكم \* من الناس من نقض الميثاق ومنهم من اتبع ما امر من  
لذن عايم حكيم \* ايس ضرى سجنى وبلائى وما يرد على من طغاة  
عبادى بل عمل الذين ينسبون انفسهم الى هذا المظلوم ويرتكبون  
ما تضيع به حرمة الله بيز خاقيه الا انهم من المفسدين )  
وهيچنيز از اسان ناقضين ميفرمايد ( قد جمعت المنابر  
لذكرك وارتفاع كلمتك واظهار امرك واني ارتقيت عليها لاعلاء  
نقض عهدك وميثاقك )

وهيچنين ميفرمايند خذوا ما امرتم به ولا تتبعوا الذين نقضوا  
عهد الله وميثاقه الا انهم من اهل الضلال \*  
وهيچنين ميفرمايند ( ان الذين نكثوا عهد الله فى اوامره  
ونكصوا على اعقابهم اولئك من اهل الضلال لدى الغنى المتعال )  
وهيچنين ميفرمايند ان الذين وفوا بميثاق الله اولئك من  
اعلى الخلق لدى الحق المتعال \* ان الذين غفلوا اولئك من اهل النار  
عند ربك العزيز المختار )

وهيچنين ميفرمايند ( طوبى لاعد آمن ولامة آمنت وويل  
للمشركين الذين نقضوا عهد الله وميثاقه واعرضوا عن صراطى  
المستقيم )

وهيچنين ميفرمايند \* اسالك ان لاتخينى عما عندك وما

قدرته خيرة خلقك الذين ما تقضوا عهدك وميثاقك قل موتوا  
بغیظكم قد اتى من ارتعدت به فرائص العالم وزلت به الاقدام  
الا الذين ما تقضوا عهدهم واتبعوا ما انزله الله في الكتاب  
وهمچنین میفرمایند ( ان الذي تزين برداء الوفاء بين الارض  
والسما يوصلى عليه الملائ الا على والذي نقض العهد يلعنه الملك  
والملكوت )

وهمچنین میفرمایند ( خذ ما نزل لك بقوة تعجز عنها ايادي  
الكفار الذين نقضوا ميثاق الله وعهده واعرضوا عن الوجه )  
وهمچنین میفرمایند \* ( يا يحيى قد اتى الكتاب خذه بقوة  
من لدنا ولا تتبع الذين نقضوا ميثاق الله وعهده وكفروا بما نزل  
من لدن مقتدر علام )

وهمچنین میفرمایند ( قد اصبحت اليوم يا الهى فى جوار  
رحمتك الكبرى واخذت القلم لا ذكرك بحولك بذكر يكون  
بمنزلة النور للاحرار \* وبمشابة النار للاشرار الذين نقضوا ميثاقك  
واعرضوا عن آياتك ونبذوا عن ورائهم كوثر الحيوان الذى ظهر  
بامرک وجرى من اصبع ارادتک )

وهمچنین در توقیعی بعد البهاء میفرمایند ( يا الهى هذا غصن  
انشعب من دوحه فردانيتك وسدره وحدانيتك \* تراه يا الهى  
ناظرا اليك و متمسكا بحبل الطافك فاحفظه فى جوار رحمتك  
انت تعلم يا الهى انى ما اریده الا بما اردته وما اخترته الا بما اصطفتيه

فانصره بجنود ارضك وسمائك وانصر يا الهى من نصره ثم اختر  
 من اختاره وايد من اقبل اليه ثم اخذل من انكره ولم يردده \* اي  
 رب ترى حين الوحي يتحرك قلبي وترتمش اركانى \* اسألك بولھى  
 في حبك وشوقى في اظهار امرك بان تقدر له وتحببه ما قدرته  
 لسفرائك وامناء وحيك \* انك أنت الله المقتدر القدير )

تالله يا قوم يبكى عيني وعين على على الرفيق الاعلى \* ويصبح  
 قلبي وقلب محمد في السرادق الابهى ويصبح فؤادي واقدة  
 المرسلين عند اولى النهى \* ان اتم من الناظرين \* لم يكن  
 حزني من نفسى بل على الذى يأتى من بعدي في ظلل الامر  
 بسطان لائح مبين لان هؤلاء لا يرضون بظهوره وينكرون  
 آياته ويحجدون بسطانه ويحاربون بنفسه ويتخادعون في امره كما  
 فعلوا بنفسه في تلك الايام وكنتم من الشاهدين \*

وهمچنين در توقيعى بعد البهاء ميفر مايند يا غصن اعظم  
 لعمر الله نوازلك كدرتنى ولكن الله يشفيك ويحفظك وهو خير  
 كريم واحسن معين \* البهاء عليك وعلى من يخدمك ويطوف  
 حولك والويل والعذاب لمن يخالفك ويؤذيك \* طوبى لمن والاك  
 والسقر لمن عاداك \*

وهمچنين ميفر مايد هل يمكن بعد اشراق شمس وصيتك  
 من افق اكبر الواحك ان تزل قدم احد عن صراطك المستقيم قلنا  
 يا قلبي الاعلى ينبغى لك ان تشتغل بما امرت من لدى الله العلى

العظيم \* لا تسأل عما يذوب به قلبك وقلوب اهل الفردوس  
الذين طافوا حول امرى البديع \* لا ينبغي لك بان تطلع على  
ما سترناه عنك ان ربك هو الستار العليم توجه بوجهك الانوار الى  
المنظر الاكبر وقل يا الهى الرحمن زين سماء البيان بانجم الاستقامة  
والامانة والصدق \* انك انت المقتدر على ما تشاء لا اله الا انت  
المدير الكريم \*

بارى از اين بيانات مبارك وبيانات حضرت مسيح واضح  
وثابت و محقق شد كه انسان بايد با نفوسى كه بر عهد و ميثاق ثابتند  
معاشرت نمايد و با ابرار الفت كند \* زيرا قرين سوء سبب مى  
شود كه سوء اخلاق سرايت مى نمايد \* نظير مرض جذام كه ممكن  
نيست انسان با مجذوم الفت و معاشرت نمايد و مرض جذام  
سرايت نكند \* اين بجهت حفظ وصيانت است \*

اين نص انجيل را ملاحظه كنيد كه برادران حضرت مسيح  
آمدند نزد حضرت مسيح عرض كردند كه اينها برادران شما  
هستند \* فرمودند كه برادران من نفوسى هستند كه مؤمن  
بخدا هستند و قبول نمودند كه با برادران معاشرت و مجالست  
نمايند بهمچنين قره العين كه معروف آفاق است وقتى كه مؤمن  
بخدا شد و منجذب بنفحات الهى گشت از دويسر بزرگ خویش  
ببزار شد \* زيرا مؤمن نشدند و ديگر ابدانها ملاقات نكرد \*  
و حال آنكه در اولاد رشيد او بودند و ميكفت كه احبائى الهى

جميع پسران من هستند \* ولی این دو ابداً پسر من نیستند  
و بزارم \*

ملاحظه نمائید که باغبان الهی شاخه خشک و یا ضعیف را  
از شجره طیبه قطع می نماید و شاخ درخت دیگر را باین  
شجره پیوندی نماید هم فصل میکند و هم وصل میکند اینست که  
حضرت مسیح میفرماید که از جمیع آفاق می آیند \* و داخل در  
ملکوت میشوند و ابناء ملکوت از ملکوت خارج میشوند \*  
نوه نوح کنعان در نزد نوح مردود بود و دیگران مقبول \*  
برادران جمال مبارک از جمال مبارک منفصل شدند و ابداً جمال مبارک  
با آنها ملاقات نمیفرمودند \* و هذا فراق بینی و بینکم میفرمودند \*  
جميع اینها نه این بود که جمال مبارک استبداد مجری میداشتند \*  
ولی اینها با اعمال و افعال و اقوال خود از الطاف و عنایات مبارک  
محروم ماندند

حضرت مسیح در قضیه یهودای اسخریوطی و برادران  
خویش استبداد مجری نداشتند ولی آنان خود را محروم نمودند  
باری مقصود اینست که عبد البهاء بی نهایت مهربانست  
ولی مرض مرض جذام است چه کند \* همچنانکه در امراض  
جسمانی باید معاشرت و سرایت را منع کرد و قوانین حفظ الصحه  
را مجری داشت زیرا امراض ساریه جسمانی بنیان بشر را براندازد  
همچنین باید نفوس مبارک را از روائح گریه و امراض مهلکه

روحانی محافظه و صیانت کرد \* والاتقض نظیر مرض

طاعون سرایت میکند وکل هلاک میشوند \* در

بدایت صعود مبارک مرکز تقض تنها بود

بعد کم کم سرایت کرد \* واین بسبب

الفهت و معاشرت واقع شد

۱۴ نو فبر سنه ۱۹۲۱

( عبدالبهاء عباس )

( احببنا الهی و دوستان حقیقی و امانه رحمانی )

( در جمیع بلدان و اقالم در شرق و غرب )

( علیهم بهاء الله الاهی )

مَعْلَمٌ لِلدِّينِ

ای یاران با وفا \* ای بندگان صادق حضرت بهاء الله نیم

شب است و جمیع چشمها آسوده و کافه نفوس در بستر راحت

سر بیابان نهاده مستغرق در دریای خوابند و عبدالبهاء در جوار

روضه مبارکه بیدار و در نهایت تضرع و ابتهاال مشغول بمناجات

که ای پروردگار مهربان شرق در هیجانست و غرب در موج بی

پایان \* نفحات قدس در انتشار است و انوار شمس حقیقت از